

محمدرضا اصفهانی خاتون آبادی

عبدالله امینی پور

چکیده

میرمحمد رضا خاتون آبادی، فقیه و مفسر، معروف به مدرس از علمای نیمه اول سده دوازده هجری قمری، نویسنده کتب أبواب الهدایة، خزائن الأنوار و جنات الخلود است. تفسیر خزائن الأنوار و معادن الأخبار وی، تفسیری فارسی و با نثر دوران صفویه است که تفسیری عرفانی - تربیتی به شمار آمده، در بردارنده آرای شیعه و سنی است که از جمله شاهکارهای فارسی نویسی آثار دینی است. مقاله حاضر به شرح حال و معرفی آثار وی پرداخته است.

کلید واژه‌ها: خاتون آبادی، خزائن الأنوار، جنات الخلود، أبواب الهدایة، مفسر فقیه.

نام و تبار

میرمحمد رضا بن میرمحمد مؤمن خاتون آبادی، معروف به مدرس و متخلص به مطلع اصفهانی از علمای نیمه یکم سده ۱۲ هـ. ق و اواخر دوره صفوی، فقیه و مفسر

شیعی است. وی از سادات خاتون آبادی اصفهان است که جد اعلای آنان میرعماد الدین محمد و نسب وی به علی بن جعفر عریضی از نوادگان امام سجاد علیه السلام می‌رسد.^۱ در کتاب‌های تراجم و رجال اطلاع بسیاری در باره وی و شرح حال و زندگی نامه‌اش یافت نمی‌شود. اگر کسی از او نام برده، به بیان تألیفات و نگاشته‌ها و سیادت وی بسنده کرده است. بیش‌ترین آگاهی از زندگی او، اطلاعات مختصری است که در کتاب *الأغصان الطیبة*^۲ ذکر شده است.

دائرة المعارف تشیع در باره وی می‌نویسد:

امامی اصفهانی، محمد رضا بن محمد مؤمن خاتون آبادی، فقیه و مفسر شیعی ایران در نیمه یکم سده دوازده هجری. وی از سادات اصفهان است و نسبت او به علی بن جعفر عریضی می‌رسد. او معاصر علامه مجلسی بود و در زادگاهش به تدریس علوم دینی می‌پرداخت. آثارش عبارتند از: *أبواب الهدایة* به فارسی، *جنات الخلود* به فارسی در شرح اسماء حسنی و شناخت پیامبران و تاریخ *أئمة أطهار* علیهم السلام و اخلاق مشترک میان ایشان و تاریخ پادشاهان و خلفای اموی و عباسی و فرقه شناسی و جغرافیای شهرها و قبله شناسی و آداب سفر و چیزهای دیگر، *خزائن الأنوار* در تفسیر قرآن که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی کرده است.^۳

معجم مؤلفی الشیعة در باره وی می‌نویسد: الامامی - ح ۱۱۲۸ - محمد رضا بن محمد مؤمن: *جنات الخلود*، *خزائن الأنوار*.^۴

به نوشته محدث قمی وی مردی عالم و ورع و زاهد و صاحب مقامات علیّه و کرامات جلیله بوده، اخذ حدیث کرده از تقی مجلسی و حافظ قرآن مجید بوده و هفت مرتبه به حج مشرف شده که بیش‌ترش پیاده بوده.^۵ وی دارای اجازه روایی از سید عبدالوهاب طباطبایی تبریزی است که در سال ۱۱۳۷ نگاشته شده و به واسطه او از علامه مجلسی نقل حدیث می‌کند.

در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان آمده است: خاندان خاتون آبادی یکی از خانواده‌های علمی و روحانی اصفهان می‌باشد که مدت چهار قرن در اصفهان ریاست علمی و روحانی داشته و عده‌ای کثیر عالم و ادیب و شاعر و مجتهد در بین آن‌ها بوده است... میرزا محمد رضا مدرس خاتون آبادی ابن محمد مؤمن امامی خاتون آبادی، عالم فاضل متبحر در علوم، بالأخص تواریخ *أئمة معصومین* علیهم السلام تا سال ۱۱۲۸ زنده بوده

و پس از وفات احتمالاً در تخت فولاد بالای سر میرمعصوم مدفون گردید.
در الذریعة آمده: السيد الأمير محمد رضا بن محمد مؤمن المدرس الإمامی الخاتون
آبادی من وُلد السيد أبي الحسن علي المعروف بزین العابدین دفين اصفهان المنتهى
نسبه إلى علي العريضي ابن الإمام الصادق عليه السلام.^۷

الإمامی نسبة لبعض السادات الإصفهانی المنتهى إلى امام زاده زين العابدین دفين
اصفهان من وُلد علي بن جعفر العريضي كما ذكر في الروضات.^۸

سید میرمحمد رضا پسر محمد مؤمن مدرّس امامی خاتون آبادی از فرزندان سید
أبو الحسن علی معروف به زین العابدین مدفون در اصفهان که نسبش به علی عریضی
پسر امام صادق عليه السلام منتهی می شود... امامی نسبت برخی سادات اصفهانی است
که به امام زاده زین العابدین مدفون در اصفهان منسوب اند و از فرزندان علی بن جعفر
عریضی اند، چنان که در کتاب روضات الجنات آمده است.

آغا بزرگ طهرانی در طبقات اعلام الشيعة وی را چنین معرفی می کند: محمد
رضا الخاتون آبادی - السيد، ازدهر ۱۰۸۶. ۱۱۲۷- هو ابن المير محمد مؤمن الإصفهانی
المدرّس الحسينی الإمامی المنسوب إلى الإمام زاده المدفون باصفهان من المنسويين
الی علی بن جعفر العريضي؛ محمد رضا خاتون آبادی - سيد، زنده ۱۰۸۶. ۱۱۲۷- پسر
میرمحمد مؤمن اصفهانی مدرس حسینی امامی منسوب به امام زاده مدفون در اصفهان،
از منسويين به علی بن جعفر عریضی.^۹

أعيان الشيعة می نویسد: السيد محمد رضا بن محمد مؤمن الإمامی المدرّس
الخاتون آبادی الإصفهانی من علماء عصر العلامة المجلسی، كان من العلماء الفضلاء
المتبحرين المدرسين باصفهان؛ سید محمد رضا پسر محمد مؤمن امامی مدرّس خاتون
آبادی اصفهانی از عالمان زمان علامه مجلسی، از عالمان فاضل و ماهر مدرّس در
اصفهان بود.^{۱۰}

أبو الحسن ملقب به زین العابدین علی بن نظام الدین احمد الابج، جدّ سادات
امامی معروف اصفهان بوده، مورد تصریح آقا بزرگ تهرانی قرار گرفته، نیز مدرّس در
ریحانة الادب،^{۱۱} قمی در الفوائد الرضویة^{۱۲} و سید محسن امین نسب میرمحمد رضا را به
علی بن جعفر عریضی فرزند امام صادق عليه السلام رسانده اند اما نگارنده روضات الجنات هر
جا از علمای خاندان خاتون آبادی نام می برد، آنان را مشهور به خاتون آبادی دانسته، در

زمره امامی های معروف اصفهان به شمار نمی آورد.^{۱۳}

فوائد الرضویة می نویسد: محمد رضا بن محمد مؤمن الإمامی المدرس الخاتون آبادی الإصفهانی صاحب جنات الخلود من علماء عصر العلامة المجلسی كان من العلماء الفضلاء المتبحرین المدرسین باصفهان؛ محمد رضا بن محمد مؤمن امامی مدرس خاتون آبادی اصفهانی، نویسنده جنات الخلود از علمای معاصر علامه مجلسی، که از عالمان فاضل و متبحر و جزء مدرّسان اصفهان بود.^{۱۴}

ریحانة الأدب می نویسد: مدرس میرزا سید محمد رضا بن محمد مؤمن امامی خاتون آبادی اصفهانی، معروف به مدرس از اکابر علمای قرن دوازدهم و اوخر عهد صفویه بوده.^{۱۵} در مقدمه مصحح خزائن الأنوار آمده: خانواده معروفی هم اکنون در اصفهان به نام «خاتون آبادی» زندگانی می کنند که در میان اسلاف و اجداد آن ها عده ای دانشمند و فقیه و حکیم بوده و روزگاری در این سامان می زیسته اند و چون جدّ اعلای آنان، میر عمادالدین محمد، مدتی در خاتون آباد^{۱۶} ساکن بوده و هم آن جا وفات یافته و در دامنه کوه گورت کنار خاتون آباد مدفون گردیده است، از این رو او را خاتون آبادی گفتند و اعقاب او به سادات خاتون آبادی مشهور گردیدند و شعبه هایی از آن ها جدا شده و به نام های مختلف از جمله خاتون آبادی، نعمت الهی، مدرس پور، سجادی، سلطان العلمایی، امامی، شاه مرادی، امامی جمعه و غیره در اصفهان، تهران، مازندران و جاهای دیگر پراکنده اند.^{۱۷}

سر سلسله این خانواده در ایران «میر سید حسن» نقیب سادات حسینی است که برای تصدی تولیت آستان قدس رضوی در سال ۸۸۱ ق. توسط «سلطان حسین میرزا باقرا» به ایران دعوت شد و نواده های او در قم و اصفهان مقیم شدند. «محمد میر عماد الدین»، نواده درجه چهارم میر سید حسن نقیب به اصفهان می رود و مورد توجه شخصی به نام «میرزا باقر» قرار می گیرد که گویا از دولتمندان و نیکوکاران این شهر بوده و قریه خاتون آباد و گورت نیز متعلق به او بوده است. میر عمادالدین با دختر میرزا باقر ازدواج می کند و از بیم طاعون به خاتون آباد می رود و در آن جا مدرسه ای ساخته، به تدریس و تعلیم می پردازد و سرانجام در سال ۱۰۳۹ ه. ق. وفات می کند و در دامنه کوه گورت خاتون آباد به خاک سپرده می شود و قبرش زیارتگاه مردم آن دیار است.

میر عمادالدین محمد فرزندان داشت که یکی از آن ها به نام «میر اسماعیل» در سال

۱۰۶۱ هـ.ق. در خاتون آباد وفات می کند و آرامگاه او که در گورت خاتون آباد است به «شاه مراد» معروف می گردد.

میراسماعیل دو پسر به نام «میر محمد صالح» و «میر محمد باقر» داشته و اعقاب این دو برادر سلسله خاتون آبادی ها را تشکیل داده اند^{۱۸} که عمدتاً از چهره های برجسته زمان خویش بوده اند. یکی از علمای ممتاز و بنام این خاندان در اواخر عصر صفوی «میر محمد رضا خاتون آبادی» صاحب تفسیر خزائن الانوار است.

میر محمد رضا پسر میر محمد مؤمن پسر میر عبدالرفیع پسر میر محمد صالح پسر میر محمد اسماعیل - معروف به شاه مراد - پسر میر عمادالدین است. پدر او میر محمد مؤمن که فردی متقی و پرهیزکار بود، با آمنه دختر سید عمادالدین محمد ازدواج می کند و ثمره این وصلت دو عالم متقی به نام میر محمد رضا و میر محمد مهدی و یک دختر به نام فاطمه است.^{۱۹}

آثار و نگاهته

میر محمد رضا از فضلاان اصفهان در رشته معقول و منقول - علوم عقلی و نقلی - بوده، پس از تحصیل مراتب عالی علمی و بعد از عزیمت به عتبات عالیات، از محضر عالمان برجسته بهره های بسیار برده، در اواخر سلطنت شاه سلیمان به اصفهان باز گشته، به تدریس و نگارش و تألیف مشغول شده است.^{۲۰}

ریحانة الادب، سه اثر برای وی بر می شمرد:

۱. أبواب الهدایة؛

۲. جنات الخلود که اتحاف [= اهدا] شاه سلطان حسین صفوی شده و در ایران چاپ شده و کتابی است بس لطیف و بس عجیب، جامع و محتوی شرح اسماء حسنی و معرفت انبیا و تواریخ حضرات معصومین علیهم السلام و ملوک و سلاطین و خلفای امویة و عباسیة و ملل و ادیان مختلفه و معرفت سمت قبله و بعضی از احوال بلاد و امکانه و عرض و طول و مقدار مسافت آن ها و فوائد بسیاری دیگر که همه آن ها را در جداول بزرگ و کوچک متفاوت به اندازه گنجایش مطلب منظور خود مرتب و به نام شاه مذکور، مصدر و در اواخر سال ۱۱۲۵ که مطابق عدد ابجدی نامش جنات الخلود = ۱۱۲۵ است، به تألیف آن شروع و در اوائل سال ۱۱۲۷ هجرت که مطابق عدد ابجدی باغ عدن

= ۱۱۲۷ است، از تألیف آن فارغ و به تنهایی از تنوع علمی و تبحر فضلی و کمالی و کثرت احاطه مؤلف حاکی می باشد و در جدول عسکری و جدول شهر [ماه] رمضان از همین کتاب به یک فقره تفسیر قرآن خزائن الأنوار نام خودش احاله می کند.

باری أشهر اوصاف صاحب ترجمه در زمان تألیف جنات الخلود عنوان «مدرس» بوده و امامی هم نسبت بعضی از سادات اصفهان می باشد که به امام زاده زین العابدین از اولاد علی بن جعفر علیه السلام عریضی که در آن بلده مدفون است، انتساب دارند.

۳. خزائن الأنوار که تفسیر قرآن است و اشاره نمودیم.

سال وفات میرزا محمد رضا به دست نیامد.^{۲۱}

فوائد الرضوية، در معرفی آثارش می نویسد: له من المصنفات التفسير الكبير المسمی بخزائن الأنوار وله أبواب الهداية ومختصره الجنات الخلود ولقد أجاد في تشكيل هذا الكتاب بما لم يسبقه إليه أحد أتعب فيه نفسه خمسة عشر شهر ليلة ونهاره وأرخه باغ عدن ينسب إلى الإمام زاده المدفون بجملان مقبرة ياصفهان من ولد علي بن جعفر العريضي؛ نگاشته های وی: تفسیر بزرگ با نام خزائن الأنوار، کتاب دیگر: ابواب الهدایه که مختصر آن جنات الخلود است. در ترتیب کتاب نیکو کار کرده، به گونه ای که پیش از وی کسی چنین کاری نکرده، برای نوشتن آن پانزده ماه، شب و روز خود را به زحمت انداخت. تاریخش را باغ عدن [= ۱۱۲۷ هـ. ق.] نوشته، منسوب به امام زاده ای است مدفون در جملان مقبره ای در اصفهان و از نوادگان علی بن جعفر عریضی است.^{۲۲}

اعیان الشیعه می نگارند: له التفسير الكبير المسمی بخزائن الأنوار، أبواب الهداية مختصره المسمی بجنات الخلود فرغ منه سنة ۱۱۲۷ و أهداه للسلطان حسين الصفوی؛ وی تفسیر بزرگی با نام خزائن الأنوار، [کتاب دیگر:] ابواب الهدایه که مختصر آن با نام جنات الخلود است که سال ۱۱۲۷ از آن فارغ شده، به سلطان حسین صفوی اهدا کرده است.^{۲۳}

الذريعة در معرفی جنات الخلود می نویسد: تاریخ فارسی جامع لطیف حاو لشرح أسماء الله الحسنی و معرفة انبيائه العظام و تواریخ کل واحد من المعصومين الأربعة عشر عليهم السلام و الأخلاق المشتركة بينهم و تواریخ الملوك الأرض و السلاطين الأمويين و العباسيين و بيان الملل والأديان و بعض أحوال البلدان من المسافة والعرض والطول و معرفة جهة القبلة و آداب السفر و ما يتعلق بالأيام و الشهور و فوائد كثيرة أخرى مرتباً

لذلك كله في جداول متفرقة ألفه الميرزا محمد رضا بن محمد مؤمن الإمامي المدرّس في اصفهان و صدره باسم الشاه سلطان حسين الصفوي. شرع فيه أواخر ١١٢٥ مطابق إسمه جنّات الخلود و فرغ منه أوائل ١١٢٨ مطابق باغ عدن و صرّح في آخره أنّ مجموع مدّة اشتغاله كان خمسة عشر شهراً و ذكر في أوّله أنّه ألفه بعد ما فرغ من المجلّد الأوّل من تفسيره الموسوم بخزائن الأنوار الذي أهداه إلى الشاه سلطان حسين أيضاً و أحال إلى هذا التفسير في جدول العسكري عليه السلام عند ذكر دعائه و أيضاً في جدول الشهور عند ذكر شهر رمضان و قد طبع من ١٢٦٦ إلى اليوم مكرراً.^{٢٤}

ترجمه عبارت پیش تر به نقل از ریحانة الأدب گذشت.

آغا بزرگ معتقد است: وی عالمی متتبع و مبتکر و دانای فروع و اصول و جامع معقول و منقول و قدسی الالقاب و قدوسی الذات و ملکی الصفات بوده و هنگام تألیف جنات الخلود- ١١٢٧- به مدرس شهرت یافت.

آغا بزرگ در معرفی خزائن الأنوار می نویسد: خزائن الأنوار فی تفسیر القرآن خرج منه مجلّد الأوّل الذي أهداه إلى الشاه سلطان حسين كما صرّح به مؤلفه الميرزا محمد رضا الإمامي في أول كتابه جنات الخلود الذي فرغ منه في ١١٢٨ كما مرّ في ج ٥ ص ١٥٠ حكى بعض الموثقين أنّه رأى نسخة منه بإصفهان و يظهر من الشيخ محمد باقر البيرجندی فی فاكهة الذاكرين أنّه رآه و ينقل عنه المؤلف نفسه في جنات الخلود مكرراً؛ خزائن الأنوار در تفسیر قرآن است. جلد نخستین که به شاه سلطان حسين اهدا کرده، از آن است، چنان که مؤلف میرزا محمد رضا امامی در آغاز کتاب جنات الخلود تصریح کرده است. در ١١٢٨ از نوشتن آن فارغ شده، چنان که در جلد ٥ الذریعه، ص ١٥٠ گفتیم. یکی از افراد مورد اعتماد گفته: نسخه ای از آن را در اصفهان دیده، از عبارت شیخ محمد باقر بیرجندی در کتاب فاکهة الذاكرين برمی آید که کتاب را دیده، خود مؤلف در جنات الخلود چندین جا از آن نقل می کند.^{٢٥}

نگارنده مصنفات شیعه می نویسد: خزائن الأنوار تفسیر از محمد رضا امامی که برای شاه سلطان حسين صفوی تألیف و اهدا شده، مذکور در جنات الخلود مؤلف، خ [خطی] [آستان قدس، ش [شماره] ٧٦٤٣ به نام محمد رضا خاتون آبادی اصفهانی.^{٢٦} در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان آمده: وی را تألیفاتی است:

١. خزائن الأنوار در تفسیر که جلد اوّل آن را نوشته شده و آن را به شاه سلطان حسين

هدا نموده است.

۲. جنات الخلود که در ۱۱۲۸ تألیف شده و مکرر به طبع رسیده است.^{۲۷}

مصحح خزائن الأنوار در مقدمه می نویسد: در جنات الخلود مؤلف، کتاب را با تعابیری شیوا، عباراتی مسجع و بیانی بلیغ و رسا در حمد و ثنای الهی و بزرگداشت مقام انبیای عظام و ائمه اطهار علیهم السلام آغاز می کند و ضمن عبارات و اشعاری در مدح «شاه سلطان حسین»، انگیزه و نحوه نگارش کتاب را چنین بیان می کند:

... حسب الإشارة بعضی از خاصان آن درگاه که پرچم رایت فتح آیت **﴿إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ﴾** [الصافات، ۱۷۲/۳۷] آیتی است در شأن او و کوبه موکب **﴿وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾** [الصافات، ۱۷۳/۳۷] نمونه ای است از وجنات فرمان او شیرازه اوراق **﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾** [الفتح، ۱/۴۸] و شاهباز بلند پرواز اوج **﴿وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾** [مریم، ۵۹/۱۹] خلاصه آثار چهارده معصوم علیهم السلام را از اسما و القاب و کنات و خصایص و معجزات و ادعیه و صلوات و احراز و احتجاجات و مدت عمر و ساعات و فضایل و کرامات و آبا و امهات و تولد و وفات و شهور و سنوآت و اولاد و زوجات و خواتیم و برکات و مقتل و امکانه و وفات و تواریخ ولادت و اشغال و مهمات رساله علی حده نموده، به اسلوب تقویم در طی جداول ذکر کردیم تا ملخص احوال هریک در جدول مختص به او بدون تصفح کتب در بادی الرّای نظر درآید... و معنون ساختیم آن را به جداولی چند در معنای اسمای حسنی و اعداد و خواص آن ها و مجمل احوال مشاهیر انبیاء و مختتم شد به جداول دیگر در ذکر سیر و سنن خاتم اصفیاء و تعداد ایام و لیالی متبرکه و اعیاد و شهور و سنین و بلاد مشهوره زمین و معرفت قبله و اختیارات و بعضی از فلکیات و اختلاجات اعضا و ادعیه و صلوات و ادویه سفر و ذکر خلفای غاصبین حقوق ائمه هدی علیهم السلام و حصر مذاهب و ملت ها به ترتیبی که مذکور و موشح است در فهرست این صفة جهان نما که الحق کتابی شد قره العین همه کتاب ها.

او در مورد نامگذاری این کتاب به جنات الخلود می نویسد: ... و موسوم ساختیم این نسخه مبارکه به نام نامی که حروفش ماده تاریخ تألیف آن است، یعنی جنات الخلود.^{۲۸}

و... نام نامی اش که جنات الخلود است، ماده تاریخ شروع در تألیف و ماده تاریخ اتمامش که یک سال بعد از آن است، باغ عدن اتفاق افتاده.^{۲۹}

أبواب الهداية: در مورد این کتاب اطلاع کافی در دست نیست. تنها می دانیم که یکی از آثار او أبواب الهداية می باشد^{۳۰} و قمی در الفوائد الرضویة می نویسد: جنات الخلود مختصر أبواب الهداية است.^{۳۱}

تفسیر خزائن الأنوار و معادن الاخبار

خزائن الأنوار از آخرین تفسیرهای ادبی و عرفانی به زبان فارسی است که با نثری بلیغ، آیات الهی را در قالب مباحث عرفانی و معنوی تبیین کرده است. مصحح این تفسیر می نویسد: مؤلف در مقدمه کتاب با بیانی شیوا و خطبه ای رسا از جایگاه قرآن سخن می گوید و آنگاه با درود و سلام بر پیامبر ﷺ و آل او ضمن ابیاتی به نقش آنان در بیداری انسان ها و تبیین معارف اسلامی تکیه و تأکید می کند و با اشاره به جایگاه بلند تفسیر در میان علوم اسلامی و تمجید و ستایش از شاه سلطان حسین صفوی که بستری مناسب را برای فعالیت های فرهنگی شیعه فراهم نموده، در انگیزه نگارش تفسیرش چنین می نویسد:

از تفاسیر شیعه، آنچه جامع فواید عظیمه و فراید جسمیه است و جمهور ارباب دانش و بینش از آن بهره مند حظ وافرند، به عربی تألیف شده، اواسط الناس را از استشمام روایح فهم آن نصیبی نبود و از تفاسیر فارسیه چیزی که مقنع طبایع ارباب ذهن و ذکا و مضامین آن را کتب معتبره بین العلماء و مستندش به ائمه هدی رسیده باشد کمیاب. بنا بر این مدتی بود که به خاطر فاتر این بی بضاعت می رسید که ان شاء الله تعالی تفسیری کامل و شرحی شامل بر قرآن مجید نویسد که اساتید مضامین شروح فقراتش مستند به اسانید معتبره ای از مفسرین و بیان نکات صداقت آیاتش منتسب به احادیث مرویه ائمه معصومین علیهم السلام بوده، از شمیم ریاحین گلستان نکاتش مشام جان ائمتان خیر البشر معطر و از تشعشع عکوس شمس کلماتش شبستان ایمان شیعیان امیر المؤمنین منور، از نعیم صلاهی عامش، عوام را بهره وافر و از مجالس صحبت خاصش، خواص را قدری باهر بوده باشد.

در مقدمه مصحح خزائن الأنوار آمده:

تاریخ شروع نگارش این اثر همان طور که مؤلف به آن اشاره می کند، سال ۱۱۱۷ هـ. ق. در شهر تبریز است که او در آن جا رحل اقامت افکنده، به درخواست علمای دین

و اندیشمندان آن دیار به کتابت آن اهتمام ورزیده است. وی در مقدمه کتاب جنات الخلود متذکر می شود که تفسیر خزائن الانوار را قبل از نگارش جنات الخلود نوشته و جلد اول آن را به شاه سلطان حسین صفوی تقدیم و از او خلعت فاخری دریافت نموده است.^{۳۲}

ظاهراً هدف مؤلف، نگارش تفسیر در چهار جلد بوده است.^{۳۳} در حال حاضر آنچه از این تفسیر موجود می باشد، جلد اول آن است که تا پایان سوره نساء را در بر می گیرد و از سایر مجلدات اثری در دست نیست. گویا او موفق به اتمام آن نگردیده است. مؤلف برای اثر خود ارزش فوق العاده ای قائل بود. از این رو به آن اهمیت می داد و بدان می بالید. او در مقدمه تفسیرش می نویسد:

در هر صدفی درون این بحر بس گوهر قیمتی نهان است
در مخزن سز آن توان یافت نقدی که خلاصه جهان است

شیوه تنظیم و روش تفسیر

مؤلف در آغاز تفسیر مباحثی از علوم قرآن را که جنبه مقدماتی دارد، به بحث و بررسی می کشد. در این مقدمه گسترده و طولانی که شامل یک فاتحه و چهارده خزانه است و هر کدام نیز شامل چند فصل جداگانه، مباحث مختلفی را شرح می دهد که عناوین آن عبارتند از:

«فاتحه: در ذکر معانی حروف تهجی و حروف ابجد و بیان مخارج و صفات آن و اسراری که در آن مندرج است.

خزانه اول: در بیان اختلاف قرائت ها و ذکر اسامی و رموز قراء سبعة و رواات ایشان و حروف مقطعه قرآن.

خزانه دوم: در بیان معجزه قرآن و فضیلت آن و غوامض علمی که در آن مندرج است.

خزانه سوم: در بیان تعداد علوم قرآن و علمی که مفسر را در تفسیر آن ضرور است.

خزانه چهارم: در بیان کیفیت و آداب تلاوت و متمثل شدن قرآن در روز قیامت و شفاعت آن برای قاریان و ثواب تلاوت و حفظ آن.

خزانه پنجم: در بیان جمع و تغییر و زیاده و نقصان قرآن و معنای آن.

خزانه ششم: در بیان معنای قرآن و فرقان و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و تأویل

و تفسیر و ظهو و بطن و وجوه مختلفه آن و منع از تفسیر کردن به رأی خود.

خزانه هفتم: در بیان آن که جمله قرآن در باب اهل بیت رسول خدا ﷺ و دوستان ایشان نازل شده و علم قرآن به تمامه نزد ایشان است لا غیر.

خزانه هشتم: در بیان تقسیم و تعداد آیات و سوره به مکی و مدنی و معنای تفسیر و تأویل و وحی و غیر ذلک.

خزانه نهم: در ذکر عدد آیات و قصص و کلمات و حروف و نقطه و اعراب و مدّ و تشدید و جزم و معنای این ها و ترتیب نزول سوره.

خزانه دهم: در ذکر اسامی شریفه قرآن و مدت نزول آن.

خزانه یازدهم: در ذکر استعاذه و متفرعات بر آن.

خزانه دوازدهم: در ذکر افتتاح کارها به بسمله و تحمید و صلوات و ثواب آن و اسراری که در آن پنهان است.

خزانه سیزدهم: در ذکر فضایل و خواص سوره فاتحه و اسامی آن و برخی از فوایدش بر سبیل ایجاز.

خزانه چهاردهم: در ذکر نکات لطیفه که در باب اختصاص سوره حمد به هفت آیه گفته شده و ذکر قدری از صنایع و بدایع آفاق و آنفس به تقریب آن که هر یک نیز هفت است.

مصحح خزائن می افزاید: پس از این مقدمه مفصل و سودمند وارد تفسیر قرآن می شود. او در آغاز سوره ها ضمن مقدمه ای از نام یا نام های سوره، تعداد آیات، مکی یا مدنی بودن آن و فضیلت قرائت سوره سخن می گوید و روایات و اقوال وارده در این زمینه را می آورد و به نقد و تحلیل آن ها می پردازد. آنگاه به تقطیع آیات پرداخته، ابتدا به تشریح واژه ها و تبیین معانی آن می پردازد. سپس ابعاد مختلف آیه را با دقت تمام به کوچک ترین اجزای سازنده آن تجزیه می کند و از همه وجوه و زوایا بدان می نگرد و زیر عنوان «خزانه»، جنبه های گوناگون آن را به بحث و بررسی می کشد.

جایگاه عقل و عرفان و نقل در تفسیر

وی از هر آنچه در تبیین و تفسیر آیات سودمند باشد، بهره می جوید و برای عقل جایگاه بلندی در تفسیر معتقد است اما از روش های عرفانی نیز غافل نیست، با این

حال بهره‌ فراوان و مرتبت نقل را نیز فراموش نمی‌کند و به احادیث و روایات توجه زیادی مبذول داشته است.

جنبه‌های ادبی و بلاغی آیات از جمله ابعادی است که او بدان‌ها توجه فراوان دارد و با تعمق و باریک بینی به تبیین نظم و ترتیب و تناسب در سوره و آیات می‌پردازد و در مناسبت‌های مختلف از آن‌ها سخن می‌گوید.

مؤلف در قالب موضوعات و در ذیل آیات مربوط به احکام به برداشت‌های فقهی روی می‌آورد و در ادامه آن به دیدگاه‌های فقیهان مذاهب و بررسی و ارزیابی اقوال آنان می‌پردازد.

چیرگی در تاریخ و جغرافیا و نجوم

همچنین وی در تاریخ و جغرافیا و نجوم چیره‌دست بود و در کتاب جنات الخلود خویش که از آثار گرانسنگ فرهنگ و تاریخ اسلامی به شمار می‌رود، مباحث و مطالبی را به طور اجمال مطرح می‌کند و تفصیل آن را به کتاب خزائن الأنوار وا می‌نهد و در تفسیرش این مباحث را مشروحاً مدنظر قرار می‌دهد.^{۳۴}

تفسیر عرفانی تربیتی

هرچند مؤلف از معلومات بسیاری در جهت توضیح و تشریح آیات سود می‌جوید اما صبغه کلی تفسیرش، عرفانی و جنبه هدایتی و تربیتی دارد و همواره تلاش می‌کند این بُعد قرآن را برای مخاطبان خود بنمایاند. به همین دلیل از بحث‌های فنی و ادبی کلاسیک فرساینده پرهیز می‌کند. سبک مطالب او عرفانی با صبغه اخلاقی بوده و به مدد آیات و اشعار و نثری جذاب، خواننده را در پیراستن و آراستن راهنمایی می‌کند.

ادبیات عرفانی تربیتی

مصحح مقدمه خزائن الأنوار در باره ویژگی‌های این تفسیر می‌افزاید:
لطایف عرفانی، ظرایف ذوقی دلنشین و گاه شورانگیز آن از نمودهای برجسته این تفسیر است. تفسیر خزائن الأنوار گرچه آخرین تفسیر به شیوه عرفانی نیست اما جزو آخرین تفاسیری به شمار می‌رود که ادب فارسی و مباحث عرفانی را در خود جمع

نموده است. هر چند تفاسیری همچون روح البیان^{۳۵} و بیان السعادة^{۳۶} که بعدها نگارش یافته است، همین شیوه را ادامه داده‌اند و حتی مؤلف روح البیان با بهره‌گیری از اشعار شعرایی چون حافظ، سعدی، مولوی و نظریات شاگردان مکتب عرفانی «ابن عربی» مخاطب را به سیر و سلوک در طریقه وصول به حقیقت راهنمایی می‌کند، لیکن این تفاسیر به زبان فارسی نوشته نشده‌اند و تفاسیری مانند تفسیر روشن^{۳۷} اگر چه به زبان فارسی است اما شیوه زیبا سازی متن آن با آرایه‌های بلاغی لحاظ نشده است. پس خزائن الأنوار از آخرین تفاسیری است که ادبیات فارسی را به عنوان ابزاری کارساز برای انتقال مفاهیم دینی و جاذبه‌های معنوی به کار گرفته است.

نثر روان

نثر شیوا و روان فارسی، تبیین گویا و روشن واژه‌ها، تنظیم و ترتیب دقیق و استوار مباحث و جلوگیری از آمیختگی آن‌ها از جمله ویژگی‌های دیگر این تفسیر است.

تفسیر به نقل از احادیث

بررسی گسترده در نظم و ترتیب آیات و عرضه روابط تنگاتنگ محتوای آیات و سوره‌ها از سایر جلوه‌های این تفسیر می‌باشد. توجه ویژه و کارآمد مؤلف به آیات همگون، تأکید فراوان وی بر نقل و استناد به روایات و بهره‌گیری از احادیث در تفسیر آیات جایگاه شایسته‌ای را به خود اختصاص داده است. مؤلف، چه در تبیین جنبه‌های فقهی آیات و چه در بررسی محتوای تفسیری آن‌ها به احادیث شأن نزول و روایات وارد شده در ذیل آیات، توجه فراوانی مبذول داشته است.

نقل آرای شیعه و سنی

تفسیر خزائن الأنوار از نظر نقد و بررسی آیات الاحکام و تبیین مسائل شرعی و بهره‌وری فقهی از آیات قرآن نیز در خور توجه است و برای دستیابی به فتاوی علمای شیعی و سنی منبعی سودمند محسوب می‌گردد.

به کارگیری دانش‌ها و آگاهی‌های مختلف تاریخی، جغرافیایی و نجوم در ذیل آیات

از جنبه‌های دیگر این تفسیر به شمار می‌رود.

بهره‌گیری از منابع گوناگون

استفاده گسترده مؤلف از منابع مختلف تفسیری، حدیثی، عرفانی و ادبی و تنوع این منابع، گویای روحیه کنجکاو و ذهن پویای اوست که در غنای تفسیر او تأثیری وافر داشته است و در این راه از جواهر التفسیر اثر «کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری» - م. ۹۱۰ ه. ق. -، بیش از هر تفسیری مدد می‌گیرد و این بهره‌گیری به حدی است که خواننده تصور می‌کند او در پی آن بوده که تفسیر کاشفی را به صبغه اندیشه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بازسازی نماید. چون کاشفی در هرات ملازم «امیر علی شیرنوی» فردی بی‌نهایت متعصب بوده و ارائه تفسیری بر مذاق شیعه ممکن نبوده است، اعتقادات شیعی خود را ابراز نکرده است.^{۳۸} البته این حرکت می‌تواند نشانگر مطلب دیگری نیز باشد و آن اهمیت کار کاشفی و قدرت تأثیر ادبی این تفسیر^{۳۹} و کمبود نگارش‌های قرآنی پس از روی کار آمدن صفویه و ضرورت تألیف آثار فارسی در زمینه تفسیر و حدیث است. به همین دلیل کتاب‌هایی در طریقه شیعی از گذشته بازسازی و با پشتوانه حکومت صفوی منتشر می‌گردد.

رعایت بیطرفی و امانت‌داری

و بالاخره باید از انصاف در بحث، نقل بدون تحریف گفتارها و اندیشه‌ها و انتساب دقیق آن‌ها به صاحبان اقوال و در یک کلام امانت‌داری علمی یاد کرد که در جای جای این تفسیر جلوه‌ای ستودنی دارد و در بازشناسایی آرای مفسران کهن مفید و سودمند است. به ویژه آن که در برخی موارد منابع مورد استفاده او به صورت نسخ خطی در کتابخانه‌ها پراکنده است و بعضاً نامی از آن‌ها در فهرست‌ها مشاهده نمی‌شود. اگر چه او پیرامون مشخصات منابع و چگونگی آن‌ها توضیحی ارائه نمی‌دهد اما منبع کلام خود را باز می‌گوید.

شیوه نگارش

محمد رضا امامی اصفهانی خاتون آبادی نویسنده‌ای خوش ذوق، خلاق و هنرمند بود و می‌کوشید موانعی را که بر سر راه فهم متون دینی وجود دارد، از میان برداشته و

خواننده را مشتاق و علاقه‌مند به مطالعه نماید. از آن جا که منابع اصیل اسلامی به زبان عربی نگاشته شده بود، آثار خود را به فارسی روان و شیوا نوشت، تا راه دستیابی بدان‌ها آسان گردد و به مناسبت مطالب کتاب، ابیاتی می‌سرود تا خستگی و ملال را از خواننده دور سازد. او به طراحی کتاب و تنظیم متن و آرایش آن اهتمام می‌ورزید تا دسترسی به مطالب آن آسان و آثارش مورد قبول طبع قرار گیرد. دو کتاب جنات الخلود و خزائن الأنوار وی سراسر مشحون از لطافت و ظرافت و ابتکار است.

آغاز بزرگ طهرانی و معرفی نگارنده

آقا بزرگ در معرفی میر محمد رضا مطالبی متناقض بیان می‌کند؛ وی احتمال می‌دهد که میر محمد رضا همان «منشی الممالک» است که در امل الأمل شرح او آمده است: له خطٌ جيدٌ لطيفٌ رأيتُ من خطِّه ما كتبه على كتيبة القبّة المذهبة الرضوية في سنة ١٠٨٦ عند ترميم الشاه سليمان لها في تلك السنة بعد تطرّق الإنكسار إليها بحدوث الزلزلة في تلك البلدة في سنة ١٠٨٤ وإضاوه محمد رضا الإمامي ولعله الملقّب بمنشي الممالک الذي ترجم في الأمل ٢: ٢٧٢ ولكن ما ذكره له هناك من كشف الآيات العجيب والتفسير العربي والفارسي الكبير في ثلاثين مجلداً إنما هو لسمي صاحب الترجمة الميرزا محمد رضا بن عبد الحسين النصيري الطوسي الذي ذكرناه في القرن ١١ ص ٢٢١- ٢٢٢ فرغ من أولهما سنة ١٠٦٧ و مرّ الميرزا محمد رضا مجلس نوبس و احتمال اتحاده مع منشي الممالک أو واقعه نوبس كما في الرياض^{٤٠}. ولی در موضع دیگر او را متأخر از منشی الممالک می‌داند که هنگام نگارش امل الأمل - سال ١٠٩١ هـ. ق. - در قید حیات بوده و قبل از آن تفسیری در ٣٠ جلد نوشته است: «فهو متأخر عنه المترجم في أمل الأمل في ١٠٩١ والموصوف يومئذ بالأمر الكبير السيد محمد رضا الحسيني منشي الممالک الذي كان حياً في التاريخ وقد ألف قبله تفسيراً في ثلاثين مجلداً كما أنّ المولى محمد رضا بن عبد الحسين النصيري الطوسي مؤلف تفسير الأئمة في ثلاثين مجلداً والمعاصر للمولى محمد تقی المجلسی الذي توفي ١٠٧٠ مقدّم على منشي الممالک على حسب العادة كما مرّ مفصلاً في ج ٤. ص ٢٣٦ و يأتي معرب جنات الخلود سيد حسين الهمداني المعاصر نزيل النجف^{٤١}. در جای دیگر می‌نویسد: «كشف الآيات للأمر الكبير السيد محمد رضا بن محمد

مؤمن الخواتون آبادی، المدرس الإمامی الحسینی، منشی الممالک المعاصر للمحدّث الحرّ العاملی كما ذكره فی الأمل وقال: هو عجیب، أقول: وهو صاحب جنّات الخلود و ممّا كتب بخطّه الجید اللطیف كتيبة القبة المذهبة الرضویة فی ۱۰۸۶ و فرغ من جنّات الخلود فی ۱۱۲۷ فلا يتوهّم الاتحاد بين هذا وما مرّ؛ سيد محمد رضا بن محمد مؤمن خاتون آبادی، مدرس امامی حسینی همان منشی الممالک است که معاصر شیخ حر عاملی بوده و در کتاب امل الأمل شرح حال او را آورده است.^{۴۲}

آقا بزرگ ضمن اشاره به جنّات الخلود، کتابی به نام كشف الآيات را به مير محمد رضا خاتون آبادی نسبت داده و می گوید: كشف الآيات عجیبی که شیخ حر عاملی در شرح حال «سيد محمد رضا حسینی» اشاره می کند، متعلق به صاحب جنّات الخلود است و این کتاب با كشف الآيات «ميرزا محمد رضا بن عبدالحسين نصیری طوسی مشهدی»^{۴۳} متفاوت می باشد.^{۴۴}

وی معتقد است اعضای خاندان نصیری طوسی، هیچ گاه خود را سید نمی خوانده اند.^{۴۵} بر این اساس و نیز به مناسبت اختلاف قابل ملاحظه در سال های زندگی ایشان، امکان یکی بودن «سيد محمد رضا حسینی» با «ميرزا محمد رضا نصیری طوسی» منتفی است.

ولی در جای دیگر می نویسد: كشف الآياتی که شیخ حر در امل الأمل ذکر کرده، از تألیفات «ميرزا محمد رضا بن عبدالحسين نصیری طوسی» است که از علمای قرن یازدهم بوده است.^{۴۶}

بر اساس تحقیق افندی این کتاب از تألیفات «ميرزا محمد رضا بن عبدالحسين نصیری طوسی» است.

او می نویسد: امیرکبیر سید محمد رضا حسینی از اولاد محقق خواجه نصیرالدین طوسی است و سید نمی باشد. پس شیخ حر عاملی اشتباه نموده و نسب او چنین است: محمد رضا بن عبدالحسين بن ادهم بن بهرام النصیری.^{۴۷}

استوری نیز در این مورد می نویسد: نسبت حسینی در امل الأمل اشتباها آورده شده است و «محمد رضا بن عبدالحسين نصیری طوسی اصفهانی» نگارنده تفسیر الأئمة و كشف الآيات همان «محمد رضا منشی الممالک اصفهانی» است که در امل الأمل به عنوان «امیرکبیر» خوانده شده است.^{۴۸}

همچنین دانش پژوه حدس می زند که نگارنده کشف الآیات از خویشان «عبدالحسین بن ادهم بیگ» بوده است.^{۴۹}

پس یقیناً محمد رضا خاتون آبادی، نمی تواند سید محمد رضا حسینی منشی الممالک باشد زیرا:

اولاً: تفسیری که در امل الآمل به منشی الممالک نسبت داده شده، تفسیری به زبان عربی و فارسی است که در برگزیده احادیث و ترجمه آن ها می باشد، در حالی که تفسیر خزائن الأنوار به زبان فارسی است و صرفاً ترجمه احادیث در آن به چشم می خورد.

ثانیاً: منشی الممالک هنگام نگارش امل الآمل توسط حرعاملی در قید حیات بوده و قبل از آن تفسیر خود را در بیش از ۳۰ جلد تألیف کرده بود، در صورتی که شروع نگارش تفسیر خزائن الأنوار طبق آنچه که مؤلف در مقدمه تفسیرش می نویسد، سال ۱۱۱۷ هـ. ق بوده است. و در این زمان شیخ حرعاملی در قید حیات نبوده تا از این تفسیر یاد کند.^{۵۰} همچنین آقا بزرگ تهرانی ضمن شرح حال محمد رضا خاتون آبادی، اشاره به رؤیت خط زیبا و لطیفی می کند که او با امضای «محمد رضا الامامی» بر کتیبه گنبد طلایی آستان قدس رضوی زمان شاه سلیمان در سال ۱۰۸۶ هـ. ق نگاشته است.^{۵۱}

کتیبه ای که آقا بزرگ به آن اشاره می کند، از آثار «محمد رضا امامی اصفهانی» از خوشنویسان قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری معاصر شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان بوده است و در هر دوره، از بناهایی که ساخته شده، کتیبه ای نوشته و اثری به یادگار گذاشته است. کتیبه فوق الذکر توسط او در سال ۱۰۸۶ هـ. ق در زمان شاه سلیمان صفوی نوشته شده و از تعمیر و تذهیب و تزیین آن شاه نام برده شده است.

بنابراین با توجه به شواهد و قراین یاد شده، خط کتیبه مورد نظر آقا بزرگ، متعلق به محمد رضا خاتون آبادی نیست.

سفرها

از مقدمه ای که میر محمد رضا امامی خاتون آبادی بر تفسیر خزائن الأنوار نوشته، برداشت می شود تا پیش از ۱۱۱۷ هـ. ق سفرهای بسیاری داشته است. با توجه به اطلاعات دقیقی که از شهرهای ایران و هرات و مصر و موصل و دمشق و حلب و صنعا

و بصره و ختن و تبت و قسطنطنیه و کشمیر و بخارا و... می دهد^{۵۲} احتمال می رود قصدش از این سفرها، گردآوری آگاهی‌های نجومی، تاریخی و جغرافیایی بوده است. واژه‌های به کار گرفته توسط وی در مورد سفرها عبارتند از:

«اسفار بسیار»، «سیاحی‌های بی‌شمار»، «تردد گیتی نوردی»، «بادیه پیمایی»، «بیابان‌گردی» و «کثرت شغل» که از او چهره‌ای توانا و پرتجربه ساخت که از آن‌ها در آثار خود بهره‌گیری شایسته نمود. او در سال ۱۱۱۷ هـ. ق وارد تبریز شد و در دار السلطنه استقرار یافت و با وجود اشتغالات فراوان به درخواست علمای آن دیار به نگارش تفسیر خزائن الأنوار پرداخت.

او در مقدمه کتابش می‌نویسد: به علت اسفار بسیار و سیاحی‌های بی‌شمار و نازل شدن هر عصری از اعصار به هر مصری از امصار با عدم استقرار، از قوه به فعل آمدن آن متعسّر بل متعذّر بود تا آن که به تاریخ هزار و یکصد و هفده هجری که از جمله ایام دولت شاه اعلا جاه دین پناه معظم الی بعض القابیه است، در عالم بادیه پیمایی‌ها ورود کم‌ترین به ساحت با راحت عیش خیز دار السلطنه تبریز که قطعه‌ای است از ریاض رضوان و... وضع عدیم المثالش مرغوب دل موذت اسلوب افتاده، در آن جا رحل اقامت گشودم و آیینۀ خاطر دوستی ذخایر را از گرد بیابان‌گردی و زنگ نیرنگ تردد گیتی نوردی زدودم و در آن بلده طیبه، بعضی از اخوان دینی و خلآن یقینی که قدم وفا در طریقه آشنایی محکم نموده، دست دوستی بردامن بی‌ریایی استوار داشتند و مانند تیغ برهنه یک دل و یک زبان بودند، التماس اتمام آن را نمودند، ایجاباً لمسؤولهم و اسعافاً لمأمولهم، با قلت بضاعت و کثرت شغل به توفیق رب الارباب و مسهّل جمیع صعاب، شروع در تصنیف آن کتاب مستطاب نمودم.

لمؤلفه:

صیرفی طبع من، حقه خالی چه یافت درج نمود اندرش درج در آبدار
و آن را به خزائن الانوار و معادن الأخبار فی منقبة الأئمة الأخیار موسوم ساختم.

اوضاع اجتماعی سیاسی زمان حیات نگارنده

بررسی اوضاع اجتماعی سیاسی دوران نگارش آثار خاتون آبادی، ما را با چرایی و چگونگی کتابت نوشتارها و میزان تأثیرپذیری آن‌ها از فرهنگ دینی سیاسی زمان

نگارش آشنا می‌سازد.

مصحح خزائن الأنوار گزارش می‌کند: با توجه به رابطه و پیوند مسایل دینی با اوضاع سیاسی اجتماعی، و نگارش آثار نویسنده در آن برهه باید دانست تشکیل دولت صفوی، چهره ایران را در جنبه‌های سیاسی، دینی و اجتماعی دگرگون کرد و نقطه عطفی در تاریخ ایران زمین به وجود آورد. صفویّه با ظهور شاه اسماعیل - ۹۰۷ هـ. ق آغاز و در ۱۱۴۸ هـ. ق با «نادر» پایان می‌یابد.^{۵۳}

صفویان دولتی با اقتدار دینی برپا کرده، قدرت سیاسی خود را بر مبنای تشیع بوده استوار کردند. از زمان صفویه، ایران سرزمین تشیع لقب گرفت و از دنیای اسلام که زیر حاکمیت عثمانی بود، جدا شد و اقتدار شیعی به جای اقتدار سنی نشست.^{۵۴}

دستاورد های حکومت ۲۳۰ ساله صفوی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. حاکمیت و رواج تشیع.

۲. پذیرش مقامات حکومتی توسط عالمان دینی مانند قضاوت و ولایت در امور حسبه؛ در عهد سلطنت سلطان حسین به ویژه شاهد تقویت شدید حضور عالمان دینی در مناصب حکومتی ایم. شاهد سخن نقش بسیار تأثیرگذار علامه مجلسی و دیگر علما در تصمیمات دولتی است.^{۵۵}

۳. رواج مدارس دینی و تربیت مجتهدان و علما؛ به دعوت رسمی شاه اسماعیل و شاه طهماسب، علمای جبل عامل به ایران مهاجرت کردند و تدریس و تألیف و برخی مناصب رسمی دینی را عهده‌دار شدند.^{۵۶} چنان که حوزه‌های علمیه بسیار زنده شد و آثار ارزشمند فقهی، کلامی، فلسفی و... نگاشته شد.

۴. بازگشت به متون حدیثی و تدریس آن‌ها؛ گرایش به حدیث، دست کم در نیمه دوم عصر صفوی، رویکرد غالب و مقبول بوده است. گرایش به اخباری‌گری و پیدایش اخباریان را در این روزگار شاهدیم.^{۵۷}

چنان که گرایش به معانی باطنی از بیانات دینی پدید آمد و احادیث فراوان در بیان جنبه‌های باطنی دین نقل می‌شد، مانند این که قرآن یک معنای ظاهر و هفت معنای باطن و تودرتو دارد.^{۵۸}

گرایش‌های غلو آمیز، آشتی بین تصوف و تشیع، تمایلات عارفانه، پیدایش جریان‌های صوفیانه و ظهور مشایخ عرفانی امثال صفی‌الدین اردبیلی در روزگار صفویان

۵. گسترش زبان فارسی در سرزمین‌های مجاور ایران؛ در عهد صفوی، فعالیت‌های ادبی توسعه یافته و کتاب‌هایی به زبان فارسی در مناطق عثمانی، هند و آسیای مرکزی - سمرقند تا دهلی - توسط نویسندگان و شاعران مهاجر نوشته می‌شود. رشد ادبیات مذهبی به منظور تبلیغ و تحکیم اصول سیاسی مذهبی رواج داشت. اشعار مذهبی به ویژه مرثیه سرایی و مدح و منقبت ائمه معصومین علیهم‌السلام رشد و گسترش داشت. محتشم کاشانی - ۹۹۶ ه. ق. - شاعر معاصر شاه طهماسب سرآمد شاعران مرثیه‌گو در این عصر است. با این حال زبان فارسی از لحاظ ادبی چندان در اوج نبود و قواعد لغوی و ادبی و بلاغی رعایت نمی‌شد.^{۶۰}

۶. رواج تعصبات مذهبی و درگیری‌های فرقه‌ای.

۷. رویارویی با مبلغان مسیحی و رشد فرهنگ کلامی - عقایدی.^{۶۱}

۸. پیشرفت هنر صنایع و معماری و نقاشی و نگارگری و خوشنویسی، پیدایش آثار عالی و سترگ در اصفهان شاهد سخن است،^{۶۲} نیز وجود افراد هنرمندی مانند کمال‌الدین بهزاد و میرعماد.

۹. فارسی نویسی آثار دینی؛ ترجمه بسیاری از کتاب‌های مذهبی از عربی به فارسی، جهت فهماندن هر چه بیشتر آموزه‌های مذهبی به توده و به کارگیری نثر و نظم در خدمت به مذهب، در روزگار صفویان رواج یافت و کتب بسیار در تفسیر، فقه، اخلاق، حکمت و... به زبان ساده و قابل فهم برای مردم نوشته شد که اصول عقاید شیعه را بیان می‌کرد. نگاشته‌های علامه مجلسی - پدر و پسر - شاهد سخن است.^{۶۳}

نگارش تفسیر به زبان فارسی در این عصر رو به افزایش نهاد، چنان که در پی اجرای حدود و قصاص شریعت، کتب مربوط به «آیات الاحکام» نوشته شد.^{۶۴} این امور باعث شد نگارنده - محمد رضا امامی خاتون‌آبادی - نیز آثار خود را به فارسی و در راستای اهداف دینی مذهبی بنگارد که برشمردیم.

در گذشت

از تاریخ درگذشت نویسنده و محل دفن وی اطلاعی در دست نیست، اما مصحح خزائن الأنوار بر روی جلد این کتاب، تاریخ وفات وی را ۱۱۳۵ ه. ق می‌نویسد و می‌افزاید:

آن عالم ربانی در سال ۱۱۳۵ هـ. ق درگذشت.^{۶۵} آرامگاه او در تخت فولاد اصفهان بالای سر میر معصوم - پسر میر عبدالحسین خاتون آبادی صاحب وقایع السنین - در پشت بقعه آقا محمد بیدآبادی واقع است.^{۶۶}

اما دیگر شرح حال نویسان تاریخ فوت نویسنده و محل دفن وی را ننوشته اند: سال وفات میرزا محمد رضا به دست نیامد.^{۶۷} دکتر سید محمود خاتون آبادی از نوادگان سید محمد رضا امامی خاتون آبادی تاریخ فوت مرحوم را ۱۱۳۵ هجری قمری و محل دفن را تخت فولاد اصفهان، تکیه آقا محمد بیدآبادی می داند. وی در عصر حاضر از معدود یادگاران این سلسله جلیله محسوب می شود.^{۶۷}

۲. این کتاب، خطی در دو جلد، نوشته میرسید

حسین خاتون آبادی متخلص به «آزاد» از نواده های میر محمد رضا خاتون آبادی است.

این نسخه، اصل و منحصر به فرد به خط مؤلف در ذکر سلسله انساب سادات می باشد و در حال حاضر در کتابخانه شخصی آقای سید مهدی خاتون آبادی ساکن اصفهان نگه داری می شود. «رک: خزائن الأنوار» تحقیق ایمانی / ۱۷».

۳. دایرة المعارف تشیع، ۴۹۱ / ۲، به نقل از اعیان الشیعة، ۱ / ۲۸۲؛ الذریعة ۱ / ۷۹؛ و ۵ / ۱۵۰ و ۱۵۱؛ و ۷ / ۱۵۳؛ فوائد الرضویة، ۲ / ۵۳۵.

۴. معجم مؤلفی الشیعة، «الفاضل القائینی النجفی» ۵۰۴ / ۱.

۵. دانشمندان و بزرگان اصفهان، «مهدوی»، ۱ / ۱۸۵. ۱۸۸. به نقل از منتهی الآمال، ۲ / ۱۶۲. با مراجعه به منتهی الآمال متوجه شدیم مطلب اخیر در باره میر محمد باقر پسر میر اسماعیل میر عماد است، نه میر محمد رضا. نگارنده

۱. محمد میر عماد الدین بن میر سید حسن نقیب

بن میر جلال الدین نقیب بن میر سید مرتضی

بن میر سید حسن بن میر سید حسین شمس

الدین بن میر سید علی شرف الدین بن میر

سید محمد مجد الدین بن میر سید حسن تاج

الدین بن میر سید حسین شرف الدین - که در

مدینه مدفون است - بن میر عماد الشرف بن

میر سید عباد بن میر سید محمد بن میر سید

محمد حسین بن میر سید محمد بن أبو عبد الله

حسین القمی - که در قم مدفون است - بن میر

سید محمد عمر الاکبر - که در سال ۱۶۹ هـ. ق.

شهید شده و در سرزمین فخر مدفون است -

بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن علی بن

الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام؛ خزائن الأنوار

و معادن الاخبار، «امامی اصفهانی»، ۶۸۳ / ۱؛

به نقل از: الأغصان الطیبة «خاتون آبادی»، ۱ /

قسمت مربوط به سادات خاتون آبادی؛ الفیض

القدس، «محدث نوری» / ۸۴؛ مکارم الآثار، ۱ /

۱۲۹؛ وقایع السنین «خاتون آبادی» / ۵۰۹.

- مقاله.
۶. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ۱/۱۸۵.
۷. الذریعة، ۴/۲۳۷.
۸. همان، ۵/۱۵۱؛ الروضات الجنات، ۳۵۷.
۹. طبقات اعلام الشیعة، ۶/۲۵۶-۲۶۶.
۱۰. أعیان الشیعة، ۹/۲۸۲.
۱۱. ریحانة الأدب، ۵/۲۶۸.
۱۲. الفوائد الرضویة، ۱/۵۳۵.
۱۳. خزائن الأنوار، ۱۸/ به نقل از روضات الجنات، ۴/ ۱۲۰ و ۲/۳۴۹.
۱۴. الفوائد الرضویة، ۱/۵۳۵.
۱۵. ریحانة الأدب، ۵/۲۶۸.
۱۶. خاتون آباد دهی است از بلوک جی از توابع اصفهان که در قرن یازدهم هجری اهمیت شایانی داشته و در سده دوازدهم مانند بسیاری از شهرها و قراء و قصبات آباد ایران به دست یغماگران افغانی ویران گردید. «روضات الجنات، ۲/ ۳۵۰».
۱۷. رجال اصفهان، ۵۲.
۱۸. الاغصان الطیبة، ۱/ قسمت مربوط به سادات خاتون آبادی و نیز: وقایع السنین / ۵۸۷-۵۸۸.
۱۹. همان، ۱/ به نقل از نوشته «میر محمد حسین بن میر محمد صالح» در رساله نسب اجدادش.
۲۰. همان، ۱/ قسمت مربوط به میر محمد رضا؛ به نقل از خزائن الأنوار، ۲۰.
۲۱. ریحانة الأدب، ۵/۲۶۸.
۲۲. الفوائد الرضویة، ۲/۵۳۵.
۲۳. أعیان الشیعة، ۹/۲۸۲.
۲۴. الذریعة، ۵/۱۵۰.
۲۵. همان، ۷/۱۵۳.
۲۶. مصنفات الشیعة، ۳/۱۳.
۲۷. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ۱/۱۸۵-۱۸۸.
۲۸. جنات الخلود، ۲/.
۲۹. همان، ۷۶.
۳۰. ریحانة الأدب، ۵/۲۶۸؛ أعیان الشیعة، ۸/۲۸۲؛ طبقات اعلام الشیعة، ۲۶۵.
۳۱. الفوائد الرضویة، ۲/۵۳۵.
۳۲. بیشتر نویسندگان آن دوره، نگاشته‌های خود را به شاهان عصر خویش تقدیم می‌کرده‌اند و ظاهراً غرض آن‌ها به نتیجه بهتر رساندن حاصل کارشان بوده است به ویژه آن که شاهان صفوی، نسبت به تدوین آثار فارسی تشویق و اهتمام جدی داشتند. در واقع، باید آنان را از عوامل مؤثر در نگارش این آثار دانست. اما نمی‌توان گفت که دانشمندان، کتاب‌های خود را به امر این سلاطین می‌نوشتند. افندی به مناسبت معرفی کتاب دفع المناوأة می‌نویسد: از مقدمه آن دانسته می‌شود که مؤلف، آن را به نام شاه طهماسب یا شاه عباس اول نگاشته اما در این باب مشکلی وجود ندارد؛ زیرا امثال این گونه تعبیرها در آغاز کتاب‌ها کاری شایع و رایج بوده است. «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء»، ۲/ ۶۷. مثلاً در پایان نسخه موجود در کتابخانه ملی ملک آمده است: تمّ مجلد الاول من المجلدات الاربع من تفسیر خزائن الأنوار و يتلوا المجلد الثانی سورة المائدة.
۳۳. از عبارت پایانی برخی از نسخ خزائن الأنوار برداشت می‌شود که قصد مؤلف، نگارش تفسیر در چهار جلد بوده، مثلاً در پایان نسخه موجود در کتابخانه ملی ملک آمده است: تمّ مجلد الاول من المجلدات الاربع من تفسیر خزائن الأنوار و يتلوا المجلد الثانی سورة المائدة.
۳۴. مواردی که تفصیل مطالب کتاب جنات الخلود به کتاب خزائن الأنوار ارجاع داده شده است عبارتند از: جداول اسمای حسنی، ذیل واژه رحیم «ص ۴» و واژه الهادی «ص ۷» و نیز جدول

کتاب مبسوط کاشفی بوده و براساس آن مواهب
 علیه خلاصه گردیده است. آثار دیگر او عبارتند
 از: کتاب مشهور روضه الشهداء و انوار سهیلی
 و... برای آگاهی بیشتر از آثار او «رک: جواهر
 التفسیر/ مقدمه جواد عباسی-».

۴۰. طبقات الأعلام الشیعة / ۲۶۵؛ ریاض العلماء،
 ۱۰۴/۵.

۴۱. الذریعة، ۱۵۱/۵.

۴۲. همان، ۵/۱۸.

۴۳. دربارهٔ تبار نصیری طوسی که در اردویاد
 می‌زیست و شجرهٔ خود را به خواجه نصیر
 الدین طوسی می‌رساند. «رک: تاریخ عالم آرای
 عباسی، ۲/ ۷۲۲- ۷۲۴؛ الذریعة، ۴/ ۲۳۶ -
 ۲۳۷».

۴۴. الذریعة، ۵/۱۸.

۴۵. همان، ۴/۲۳۷.

۴۶. طبقات اعلام الشیعة / ۲۶۵.

۴۷. تعلیقة امل الآمل، ۲/ ۲۷۱؛ ریاض العلماء و
 حیاض الفضلاء، ۱۰۳/۵.

۴۸. ادبیات فارسی / ۱۰۹.

۴۹. فهرست میکروفیلم‌ها / ۱۸۲.

۵۰. شیخ حرعاملی در سال ۱۰۳۳ هـ. ق. متولد و
 در سال ۱۱۰۴ هـ. ق. وفات یافته است. «رک:
 الاعلام، «زرکلی»، ۹۰/۶؛ وسائل الشیعة، ۱،
 مقدمه / ۸۷».

۵۱. الذریعة، ۵/۱۸؛ طبقات اعلام الشیعة / ۲۶۵.

۵۲. جنات الخلود، ۴۷- ۵۳ به نقل از مقدمه خزائن
 الأثوار / ۲۰.

۵۳. تاریخ ادبیات ایران، ۴/ ۱۷؛ زندگانی شاه عباس
 اول «فلسفی»، ۱/ ص «ز».

۵۴. تشکیل شاهنشاهی صفویه «مجیر شیبانی» / ۹۷
 به بعد.

۵۵. تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران

هیجدهم، ذیل دعای امام یازدهم علیه السلام ص
 ۳۸ و جدول ماه رمضان «ص ۴۳».

۳۵. تفسیر روح البیان از «اسماعیل حقی بروسوی
 - بوریسای، م. ۱۱۲۷ هـ. ق-».

۳۶. بیان السعادة فی مقامات العبادة از «سلطان
 محمد گنابادی، م. ۱۳۲۷ هـ. ق».

۳۷. تفسیر روشن از «حسن مصطفوی، از علمای
 معاصر».

۳۸. دربارهٔ عقیده و مذهب «کاشفی» سخن‌های
 بسیار است. در ایران و شهر سبزوار از علمای
 شیعه و موالی اهل بیت علیهم السلام و برگزار کنندهٔ
 مجالس عزاداری و مرثیه سرایی امام حسین علیه السلام
 معرفی می‌گردد و فردی از خاندان شیعه و
 شناخته شده یاد می‌شود اما در هرات ملازم
 امیرعلی شیرنوی، وزیر دولت سلطان بایقرا
 تیمور و در ظاهر جزو علمای اهل سنت به
 حساب می‌آید. گرچه بعدها در هر دو دیار
 متهم است. در سبزوار متهم به تسنن است و
 در هرات متهم به تشیع. به هر حال مستندات
 قوی وجود دارد که کاشفی شیعه است. «رک:
 مواهب علیه «کاشفی»، ۱/ مقدمهٔ سید محمد
 رضا جلالی نائینی کاشفی؛ جواهر التفسیر
 مقدمه جواد عباسی، مجله آینه میراث /
 سال سوم / شماره چهارم / ۵۲- ۵۶، مقاله
 نقد و معرفی کتاب جواهر التفسیر ملاحسین
 کاشفی».

۳۹. جواهر التفسیر در عبارت پردازی‌های ادبی و
 عرفانی و بهره‌گیری‌های تربیتی، از تفاسیر ممتاز
 دورهٔ تیموریان است. علاوه بر آن این تفسیر از
 جهت سبک ادبی و پردازش کلمات با نثری
 مسجع و موزون، یکی از متون معیار به حساب
 می‌آید؛ زیرا کاشفی از برجسته‌ترین نثرنویسان
 نیمه دوم قرن نهم هجری است. جواهر التفسیر

۵۶. الهجرة العاملة إلى إيران في العصر الصفوي؛ «مهاجر»؛ مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی «فراهانی».
۵۷. علامه مجلسی «طارمی» / ۶۹.
۵۸. تفسیر الصافی، ۱، ۲۹؛ بحار الأنوار، ۸۹ / ۹۰.
۵۹. دنباله جست و جو در تصوف ایران، «زرین کوب»، ۵ / ۲۰۱؛ کیهان اندیشه، ش ۳۳ / ۱۰۱، مقاله رویارویی فقیهان و صوفیان در عصر صفویان.
۶۰. دین و مذهب در عصر صفوی / ۷۵؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۵ / ۵۰۷؛ سبک شناسی «ملک الشعراى بهار»، ۳ / ۲۵۶.
۶۱. آثار فارسی اینان عبارتند از: تذکرة الأئمة، حق الیقین، عین الحیاة، حلیة المتقین، مشکاة الأنوار، حیات القلوب و... .
۶۲. هنر اسلامی، «ارنست کوئل» / قسمت هنر معماری
- عمد صفوی.
۶۳. مانند حاشیه بر آیات الاحکام مقدس اردبیلی و کنزالعرفان فاضل مقداد.
۶۴. نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن... / ۴۶۹.
۶۵. الاغصان الطیبة، ۱ / قسمت مربوط به «میر محمد رضا».
۶۶. رجال اصفهان، «جزی» / ۲۱۲؛ تذکرة القبور / ۹۱.
۶۷. ریحانة الأدب، ۵ / ۲۶۹.
۶۸. آقای محمد قاسم هاشمی، نویسنده کتاب تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، در حال تألیف کتابی تحت عنوان تاریخ پانصد ساله خاندان خاتون آبادی است. «رک: همان کتاب / ۵۸۱ / چ ۱۳۸۱ شمسی، اصفهان». برای آگاهی از مدفونان خاندان خاتون آبادی به کتاب سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۳ به بعد رجوع شود.

